

تیین رفتار اجتماعی از طریق شخصیت فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است. ابتدا تصور می شد که جنبه های انگیزشی، شخصیتی و هوش فرد کاملاً در انتخابهای فرد و کنش ورزی او تعیین کننده است (هالاها و کافمن، ۱۳۷۱)، ولی در دهه ۱۹۶۰ با تحقیقات امثال زیمباردو^{۱۰} گفته شد که عوامل موقعیتی و محیطی کاملاً تعیین کننده اند (مایرز، ۱۹۸۸). ولی واقعیت ها نشان می دهد که هر دوی این ها در تعاملی پیچیده با یکدیگر در برودادهای آدمی نقش دارند. ولی در بیان این که کدام یک نقش بیشتری دارند باید تفاوت های گروهی را مورد ملاحظه قرار داد. بر اساس نظریه طبیعی-معنایی نسبی (لطفی، ۱۳۸۱)، کسانی که به بعد معنایی نزدیک می شوند به همان اندازه، ویژگیهای فردی (شخصیتی) در برودادهای آنها مؤثرتر است و کسانی که به بعد طبیعی نزدیکتر می شوند تعیین کنندگی متغیرهای محیطی و موقعیتی در آنها بیشتر است.

عوامل محیطی متنوعی بر شدت همرنگی و به تبع آن میزان استقلال افراد در تصمیم گیری مؤثرند که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد: ۱- میزان اتفاق نظر گروه یا وجود حمایت اجتماعی مخالف: برخی پژوهشگران به این نکته دست یافتند که حتی اگر حمایت کننده همدست، توانایی ارزیابی موقعیت را نداشته باشد (مثلاً در آزمونهای قضاوت بینایی چشمانش بسته باشد) یا نظر او نه در حمایت از نظر آزمودنی، بلکه صرفاً متفاوت از گروه باشد، باز هم خواهد توانست آزمودنی را به سمت همرنگی با حمایت کننده سوق دهد (بارون و برن، ۱۹۹۱)، ۲- فرهنگ: مطالعات بین فرهنگی نشان می دهد که میزان اطاعت در مونیخ، رم، آفریقای جنوبی و استرالیا بیشتر از آزمودنیهای آمریکایی است. همچنین در پژوهشی دیگر مشاهده شد

داد (اش، ۱۹۵۲) که همرنگی را در موقعیتهای آشکار، یعنی موقعیتهایی که پاسخ غلط کاملاً برای دیگران آشکار است، می سنجید. نتیجه این بود که تقریباً ۶۶ درصد حداقل یکبار با رأی نادرست اکثریت موافقت کردند. اگرچه ۲۷ درصد در هیچ کوششی همرنگی نشان ندادند (کریمی، ۱۳۸۰؛ دیوکس و رایتمن^۱، ۱۹۸۸)، ولی فراوانی بالای همرنگ شوندگان محققان را متعجب کرد. این تعجب و تمرکز بر نحوه پاسخدهی اکثریت آزمودنیها به گونه ای بوده است که تدریجاً در ذهنیت پژوهشگران تفاوت های پاسخگویی در بین آزمودنیها و به ویژه رفتار افراد مستقل نادیده گرفته شده است و گزارش این پژوهش در منابع روان شناختی به سمت کنش اکثریت تحریف شده است (رافرتی و فرند^۲، ۱۹۸۵)، پدیده ای که "سوگیری اکثری" نام گرفته است (لطفی، ۱۳۸۱). توجه به تفاوت های درون گروهی و در نهایت تفاوت های فردی^۳، توجه به فرد و در نتیجه شخصیت را افزایش می دهد. از آن زمان تاکنون پدیده همرنگی با متغیرهای محیطی، موقعیتی و شخصیتی متنوعی مورد مطالعه قرار گرفته است: رابطه با منبع کنترل^۴ و حمایت اجتماعی (لطفی، ۱۳۷۳)، جنسیت (ویت ریول^۵ و همکاران، ۱۹۶۸)، اخلاق ماکیاولی^۶ (پروشوک و برین^۷، ۱۹۷۶)، فرهنگ (مایرز^۸، ۱۹۸۸)، و متغیرهای محیطی و موقعیتی مثل: تعداد افراد همدست آزمایشگر، پایگاه اجتماعی افراد، میزان تحصیلات و... (مایرز، ۱۹۸۸). گاهی نیز از افراد همرنگ و مستقل به گونه هایی بحث شده است که گویی آنها یک سنخ شخصیتی اند مثلاً این که: "افراد همرنگ از عقلانیت کمتری برخوردارند" (کیسلر^۹، ۱۹۶۹)، و در مقابل افراد مستقل دارای هوش بیشتر، توانایی رهبری و توانشهای عقلانی بیشتری هستند (لارسن و همکاران، ۱۹۷۹).

¹ Deaux and wrightsmen

² Rofferty & friend

³ Individual differences

⁴ Control source

⁵ Witryol

⁶ Machiavelli

⁷ Prociuk & Breen

⁸ Myers

⁹ Kiesler

¹⁰ Zimbardo

برای داوری‌ها و قضاوت‌های خود به دیگران متکی هستند، در مقابل فشارهای اجتماعی شکننده‌اند، منبع کنترل آنها بیرونی است و پاداشها و حمایت‌های اجتماعی آنها را سریعتر با دیگران همراه می‌کند (لطفی، ۱۳۸۱).

حالا اگر از برخی محاسن افراد هم‌رنگ، مثل دوست داشتنی بودن و برخی معایب افراد مستقل مثل مخالفت و ناهمراهی بگذریم و بخواهیم آزمون‌ها را به گونه‌ای انتخاب کنیم که این دو را در قالب‌های مفهومی پیش گفته بسنجد، آنگاه می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که این دو مفهوم (هم‌رنگی و استقلال در قضاوت) با یکدیگر همبستگی منفی دارند.

در این باره تحقیقاتی انجام شده است که به استنباط این فرضیه کمک می‌کند. داینر^۳ (۱۹۸۰) دریافت که "با عضویت در گروه - ذهنی یا واقعی - سطح خودآگاهی فرد پایین می‌آید و بنابراین فرد به کنش جمعی سوق پیدا می‌کند و استقلال در قضاوت کاهش می‌یابد". در اطاعت هم که به لحاظ خصوصیت "دیگرمحور" بودن با هم‌رنگی مشترک است، فرد با تبعیت از منبع قدرت، خودارجاعی^۴ را در خود کاهش یافته می‌یابد (میلگرام^۵، ۱۹۶۳). در مدل‌های آزمایشی هم بین هم‌رنگی و استقلال به مفهوم کلی، و نه به مفهوم استقلال در قضاوت که در این پژوهش مورد بحث است، رابطه وجود داشته است. به عبارت دیگر افراد مستقل هم‌رنگی کمتری داشته‌اند (بری^۶، ۱۹۸۷؛ بارون^۷، ۱۹۵۳؛ آلن و نیوتسون^۸، ۱۹۷۲). برخی نیز سعی کرده‌اند تا همبسته‌های نوروفیزیولوژیکی^۹ استقلال و هم‌رنگی را به دست آورند و دریافته‌اند که وقتی پاسخ هم‌رنگی، به ویژه زمانی که پاسخ دیگران غلط است، از سوی آزمودنی نشان داده می‌شود، بیشتر شبکه عصبی آهیانه - پس‌سری^{۱۰} فعال می‌شود و

نوجوانان کشورهای غربی فردگرا (مثل: آمریکا، سوئیس، فلسطین اشغالی، نیوزلند و سوئد) به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به نوجوانان کشورهای غربی جمع‌گرا (مثل: مجارستان، شوروی، یوگسلاوی و لهستان) میزان اطاعت کمتر و تمایلات شیطنت‌آمیز بیشتری دارند (مایرز، ۱۹۸۸)، ۳- نقشها و هنجارهای اجتماعی: نوع نقش فرد در گروه میزان نفوذپذیری یا اعمال نفوذ او را تعیین می‌کند. همچنین فشاری که در موقعیتهای مختلف برای پذیرش هنجارهای اجتماعی بر فرد وارد می‌شود و توان مقاومت در برابر آن عامل بسیار تعیین‌کننده‌ای در تعیین میزان هم‌رنگی فرد یا استقلال رأی او می‌باشد (بارون و برن، ۱۹۹۱)، ۴- به هم پیوستگی اعضا: این عامل که احتمالاً ماهیتی عاطفی دارد در میزان نفوذپذیری افراد مؤثر است (وایت و سن، ۱۹۷۲).

استقلال در قضاوت شاید یکی از متغیرهایی است که مبین تفاوت‌های فردی و شخصیتی است. اولین بار بارون^۲ (۱۹۵۳) در این باره آزمون تدارک دیده است و همبسته‌های شخصیتی آن را نیز شناسایی کرده است. در مجموع می‌توان گفت افراد مستقل بر اصالت شناختی، عقلانی و آزاد اندیشی متمرکزند، درگیری شخصی آنها بالاست، آسایش اجتماعی آنها اندک است، به کار خلاق خود و دیگران بها می‌دهند، به دنبال ایده‌های جدیدند حتی اگر این ایده‌ها غیر عملی باشند. بیشتر به اصالت یا تناسب یک نظریه در توصیف واقعیت علاقه مندند تا به جهات کاربردی و منافع آن، دستور نمی‌پذیرند و به سادگی در گروه جذب نمی‌شوند. بیشتر از درون برانگیخته می‌شوند و مقداری تردید در امور را می‌پسندند. افراد هم‌رنگ نگران تصویر خود نزد دیگران هستند، دیگران محورند،

³ Diener

⁴ Obedience

⁵ Self referring

⁶ Milgram

⁷ Berry

⁸ Allen & Newton

⁹ Neurobiological correlates

¹⁰ Occipital-parietal

¹ Independence in judgment

² Barron

را به چگونگی پاسخگویی هدایت می کرد، به مواد آزمون پاسخ دهند.

ابزارهای مورد استفاده عبارتند از: **آزمون همرنگی** لطفی (۱۳۷۳): نمره گذاری این آزمون ساده است. مقیاس درجه بندی آن از ۰-۳ یعنی از مخالفت که صفر به آن تعلق می گیرد تا ۳ که موافقت کامل است را شامل می شود. دامنه نمره آن برای کل آزمون ۱۴۱-۰ و با توجه به هنجاریابی قبلی (لطفی، ۱۳۷۳)، میانگین نمره آزمودنیها ۶۱/۷۴ و انحراف استاندارد آن ۱۸/۳۴ است. در این پژوهش نمره کلی آزمون ملاک محاسبه بوده است. اعتبار همزمان^۶ این آزمون ۰/۵۷ است، که از دامنه مقبول محققان برای اعتبار سنجی (ضریب بین ۴۰-۳۰) (کاپلان، ۱۹۸۷)، بیشتر است. ضمن این که در این پژوهش نیز اعتبار دیگری برای این آزمون محاسبه می شود. در پایایی نیز اگر چه ضریب بین ۸۰-۷۰ کافی است (پاشاشریفی، ۱۳۷۲)، ولی این آزمون از ضریب پایایی ۰/۹۴ برخوردار است.

آزمون استقلال در قضاوت: تعداد مواد اولیه این آزمون ۲۰۰ بوده است. بیشتر این مواد جدید بودند ولی برخی از کتاب کندوکاوی در شخصیت مورای^۷، مقیاس های Pec.F.E مطالعه باورهای عمومی کالیفرنیا و مقیاسهای موجود در مؤسسه سنجش و پژوهش شخصیتی، که برای اندازه گیری متغیرهایی چون ابتکار، استواری و ثبات شخصی ساخته شده اند، استفاده شده است. سپس با همکاری آس این فهرست ۲۰۰ جمله ای به ۸۴ ماده ای که دقیقاً به ویژگیهای شخصیتی استقلال در قضاوت مرتبط می شد کاهش یافت. بعد از این مرحله مقیاس اجرا و نمره گذاری شد. نتایج به دست آمده توسط بارون ذیلاً نشان داده شده است.

همانطوری که می بینید سطح معناداری در مجموع حاکی از اعتبار صورتبندی های نظری است. برای تعیین موادی که

استقلال با افزایش فعالیت در ادامه^۱ همراه است (برنز و همکاران^۲، ۲۰۰۵).

نکته ای که در مطالعه بر روی افراد مبتلا به اسکیزوفرنی^۳ به دست آمده است نشان می دهد که افراد تسلیم شونده بیشتر به پادشاهای اجتماعی حساسند، اما مستقل ها بیشتر با پادشاهای مادی همراهی نشان می دهند (شین^۴، ۱۹۷۳). البته این تقابلی که بین این دو گروه به تصویر کشیده شد به این معنا نیست که به لحاظ جامعه شناختی بتوان افراد جامعه را به دو گروه تقسیم کرد (آروکومر^۵، ۲۰۰۵)، این تقابل ترسیمی با نادیده گرفتن محاسن همرنگ ها و معایب مستقل ها حاصل شده است.

این پژوهش دو هدف را دنبال می کند: (۱) بررسی رابطه بین همرنگی اجتماعی و استقلال در قضاوت و (۲) اعتباریابی برای آزمون همرنگی اجتماعی. در این راستا، فرضیه زیر مورد آزمون قرار گرفته است:

- بین همرنگی اجتماعی و استقلال در قضاوت همبستگی منفی وجود دارد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر دوم و سوم نظری دبیرستانهای شهرستان ساری می باشد؛ به این منظور تعداد ۶۶ دانش آموز دبیرستان در پایه های دوم و سوم به صورت نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات و اجرای آزمونها، موقعیت زمانی و مکانی خاصی گزینش شد تا آزمودنیها در معرض متغیرهایی که برآزمون تأثیرگذار هستند، نباشند. پس از آن دو آزمونی که از قبل مهیا شده و به یکدیگر سنجاق شده بود، به آنها داده شد تا آزمودنیها ضمن پاسخ به برخی اطلاعات شخصی مثل سن، جنس و معدل تحصیلی و نیز مطالعه مقدمه ای کلی که آنها

^۶ Concurrent validity

^۷ Murray

^۱ Amigdala

^۲ Berns & et al

^۳ Schizophrenia

^۴ Shean

^۵ Arukumar

نشان می‌دهد میانگین نمره هم‌رنگی ۶۶/۶۹ است که با تحقیقات قبلی هم تناسب دارد (لطفی، ۱۳۷۳) و میانگین نمره استقلال در قضاوت ۹/۷۴ که نزدیک به میانه مجموع نمره آزمون (۲۲) است. میزان پراکندگی دو متغیر به ترتیب ۱۶/۷۳ و ۲/۱ نشان می‌دهد که پراکندگی نمرات در آزمون استقلال در قضاوت کمتر است.

فرضیه این پژوهش عبارت بود از این که "بین هم‌رنگی اجتماعی و استقلال در قضاوت رابطه معکوس وجود دارد". این فرضیه مستند بود به دو واقعیت: یکی ویژگیهای افراد هم‌رنگ شونده مستخرج از پژوهشهای آزمایشی و غیر آزمایشی، که می‌توانستیم رابطه معکوس با ویژگی استقلال در قضاوت را از آنها استنباط کنیم و دیگری اعتبار پیشین آزمون هم‌رنگی بوده است. اگر قبلاً به دست آمده، که آزمون هم‌رنگی واقعاً هم‌رنگی را می‌سنجد، پس باید بین آن و آزمون استقلال در قضاوت رابطه معکوسی وجود داشته باشد. به هر ترتیب با توجه به ضریب همبستگی به دست آمده $r = -0.374$ این فرضیه تأیید شد ($N=66$, $r = -0.374$, $a = -0.01$).

به گونه ای مؤثر این ویژگی را تمیز می‌دادند، مقیاس با روش تحلیل مواد مورد بررسی قرار گرفت. از ۲۲ ماده ای که تفاوت های معناداری را در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ نشان دادند، ۲۰ مورد آن در جهت فرضیه بود که مجدداً از صحت کلی نظریه خبر می‌داد. مواد ۹-۱ در سطح ۰/۰۱ و مواد ۲۲-۱۰ در سطح ۰/۰۵ معنادار بوده است. این آزمون بر حسب پاسخ افراد مستقل نمره گزاری می‌شود. مواد به صورت خبری و حاکی از بیان یک باور است (نمونه: بهترین نظریه این است که بهترین کاربرد را داشته باشد) و آزمودنی به هر ماده ای به صورت صحیح یا غلط پاسخ می‌دهد. نوع پاسخهای افراد مستقل از قبل مشخص شده است و بر همان اساس هم تصحیح می‌شود، حداکثر نمره ۲۲ است برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش آماری همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

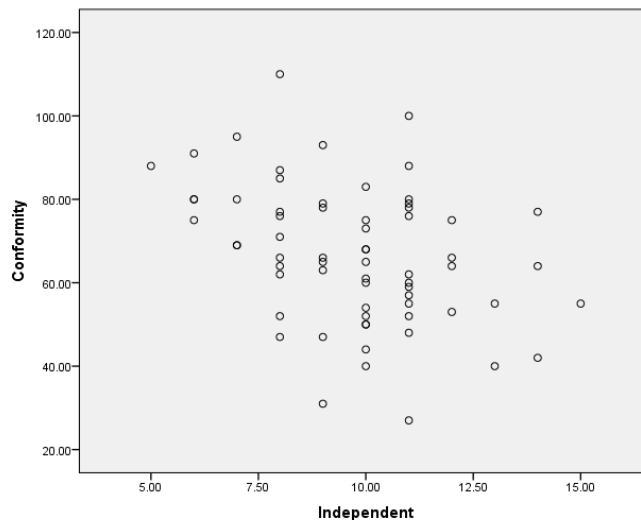
همانطور که شاخصهای توصیفی دو متغیر هم‌رنگی اجتماعی (ستون اول) و استقلال در قضاوت (ستون دوم)

جدول ۱: رابطه نمرات پرسشنامه اولیه استقلال با استقلال و تسلیم در آزمایش

میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	
۸/۰۶	۴۳/۵۸	۴۳	افراد مستقل
۹/۳۵	۳۸/۹۷	۴۲	افراد تسلیم شونده
		$t = 2.439$	$Df = 83$
سطح ۰/۰۱ معنادار است			

جدول ۲: شاخصهای توصیفی متغیرهای هم‌رنگی اجتماعی و استقلال در قضاوت

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری سنخ شخصیتی
۱۶/۷۳۰۴۱	۶۶/۶۹۷۰	۶۶	هم‌رنگی
۲/۱۳۶۲۱	۹/۷۴۲۴	۶۶	استقلال در قضاوت



نمودار ۱: ارتباط بین هم‌رنگی و استقلال در قضاوت

جدول ۳: نتایج آزمون معناداری ضرایب پیرسون بین هم‌رنگی اجتماعی و استقلال در قضاوت

هم‌رنگی	استقلال در قضاوت		
-/۳۸۱	۱	ضریب همبستگی پیرسون	
		سطح معناداری	هم‌رنگی
۶۶	۶۶	تعداد	
۱	-/۳۸۱	ضریب همبستگی پیرسون	استقلال در قضاوت
		سطح معناداری	
۶۶	۶۶	تعداد	
در سطح معناداری ۰/۰۱			

بحث و نتیجه گیری

در هم‌رنگی، فرد به انگیزه‌های متنوع و علت‌های محیطی و موقعیتی با دیگران همراه می‌شود و داوریهایی خود را با نظر دیگران هماهنگ می‌کند و نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد تبعات استقلال را که طرد و سرزنش دیگران است تحمل کند و بنابراین باید استقلال در قضاوت او پایین باشد.

پژوهش حاضر فرضیه رابطه معکوس بین هم‌رنگی و استقلال در قضاوت را تأیید کرد اما میزان رابطه $-۰/۳۷۴$ - مبین دو مطلب است. این میزان رابطه تغییرات مشترک زیادی را تبیین نمی‌کند، اما می‌توان گفت این میزان ضریب در دامنه‌ای است که از نظر اهمیت در دامنه

متوسطی قرار دارد (دلاور، ۱۳۷۴). مطلب اول این که اگرچه به لحاظ نظری ادعا شده است که استقلال در قضاوت نقطه مقابل هم‌رنگی است (بارون، ۱۹۵۳). ولی عدم همبستگی معکوس کامل نشان می‌دهد که این‌ها دقیقاً مقابل هم نیستند و متغیرهای تأثیرگذار موقعیتی و شخصیتی احتمالاً بخشی از تعدیل‌کننده‌های این تقابل است. مثلاً براون و اسچیفِر^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود دریافتند وقتی مردم با موادی مواجه می‌شوند که بار هیجانی کمتری دارند بیشتر هم‌رنگ شده و از خود استقلال رأی کمتری نشان می‌دهند.

هدف دوم این پژوهش هم، اعتبار سنجی آزمون هم‌رنگی بوده است. فرض این بوده که اگر این آزمون واقعاً

۱. دلاور (۱۳۷۴) اظهار داشته است که ضرایب بین ۰/۳۵ تا ۰/۶۵، اهمیت متوسطی دارند و از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنا دار هستند.

۲. Brown and Schaefer

- هالاهان، دانیل. پی و کافمن، جیمز. ام. (۱۳۷۱). *کودکان استثنایی*. ترجمه فرهاد ماهر. تهران: انتشارات رشد.
- Allen, V. I. & Newtson, D. (1972). Development of conformity and independence. *Journal of personality and social psychology*, 22(1): 18-30.
- Asch, S. E. (1952). *studies of independence of conformity*. *Psychological Monographs*, 70.
- Arunkumar, m. c. (2005). *The three questions: Tests of conformity*. *Anthropologist*, 7(2): 85-93.
- Brown, CH, Schaefer, A. (2009). the effects of conformity on recognition judgments for emotional stimuli [electronic version]. *Acta psychologica*, 133, 38-44.
- Barron, Frank. (1953). Some personality correlates of independence of Judgment. *Journal of personality*, 21(3).
- Barron, R. A. &, Byrne, D. (1991). *Social psychology: understanding human interaction*, U. S. A. Simon & Schuster Inc.
- Berns, Gregory; Chappelow, Caroline F.Zink; Pagnoni, Megan E.Martin-Skurski and Richards, Jim. (2005). Neurobiological correlates of social conformity and independence During Mental Rotation [electronic version]. *Social and Biological psychiatry*, 58:245-253.
- Berry, J.W. (1987). Independence and conformity. *Journal of personality and social psychology*, 7(4):415-418.
- Deaux, K. & Wrightsman, L. S. (1988). *social psychology*. U. S. A. culifornia wadsworth inc.
- Diener, E., C(1980). Deindividuation: The absence of self- awareness and self regulation in group members, in p.paulus(Ed). *psychology of group influence*. Hillsdale, N.J: Erltaum.
- Kaplan, R.M.(1987). *basic statistics for the behavioral science*. U.S.A: Allen and Bacon inc.
- Kiesler, C.A. & Kiesler, S.B.(1969). *conformity*. U.A.S: Addison –wisely inc.
- Larsen, K.S; Triplett, J. S., Brant, W. D., & Langenberg, D. (1979). Collaborators status, subject characteristics, and conformity in the Asch paradigm. *journal of psychology*, 108, 259-263.
- Milgram, S.(1963) behavioral study of obedience. *Jornal of Abnormal psychology*, 67, 371-378.
- Myers, D, G.(1988). *Social psychology*. U. A. S: Newyork, McGrow- Hill.
- Prociuk, T.J and Breen, L.J.(1976). Machiavellianism and locus of control. *Journal of psychology*, 98(1):141-142.
- Rafferty, Y, & Friend, R. (1985). *The Asch conformity study ...* .paper presented at the

هم‌رنگی را می‌سنجد و آزمون استقلال هم از اعتبار^۱ لازم برخوردار است، پس این دو باید رابطه معکوسی داشته باشند که این میزان رابطه به دست آمده، دامنه مقبول ضریب اعتبار برای محققان بین ۴۰-۳۰ (کاپلان، ۱۹۸۷) نشان می‌دهد که آزمون هم‌رنگی و آزمون استقلال در قضاوت از اعتبار لازم برخوردارند.

تصحیح در دو مورد زیر احتمالاً میزان همبستگی این دو متغیر و در نتیجه میزان اعتبار آنها را افزایش می‌دهد. الف) ابهام برخی سؤالات آزمون استقلال در قضاوت برطرف شود. ب) مقیاس پاسخگویی به سؤالات آزمون هم‌رنگی (لطفی، ۱۳۷۲) که در مقابل هر سؤال آمده، یک مقیاس ۴ درجه ای است که به صورت ۳، ۲، ۱، ۰ ترسیم شده است. تکرار اعداد در پیوستار مقابل هر سؤال موجب اشتباه آزمودنی در پاسخگویی به بعضی از سؤالات می‌شود. پیشنهاد می‌شود فقط در مقیاس پاسخگویی اول هر صفحه، شماره درج شود و در سایر سؤالات فقط به ترسیم پیوستار، بدون درج شماره، اکتفا شود.

منابع

- پاشا شریفی، حسن. (۱۳۷۲). *اصول روانسنجی و روان آزمایی*. تهران: انتشارات رشد.
- دلاور، علی. (۱۳۷۴). *مبانی نظری و علمی پژوهش*. تهران: انتشارات رشد.
- زایونک، ربرت، بی. (۱۳۶۸). *روانشناسی اجتماعی تجربی*. ترجمه محمود ایروانی. تهران: انتشارات فتحی.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۰). *روانشناسی اجتماعی*. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- لطفی، حمید. (۱۳۷۳). *بررسی رابطه منبع کنترل و حمایت اجتماعی با هم‌رنگی اجتماعی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- لطفی، حمید. (۱۳۸۱). *روانشناسی اجتماعی / روانشناسی هم‌رنگی با جماعت*. تهران: ناشر مؤلف.
- لطفی، حمید. (۱۳۷۳). *هم‌رنگی اجتماعی (نفوذ پذیری)*. *مجله اطلاعات علمی*، سال نهم، شماره ۲، صص ۳۰-۲۶.

¹ validity

- annual meeting of the Eastern psychological association, 56 th Boston, MA, March, 21-24.
- Shean, Glean.(1973). Perceptual conformity and responsiveness to social reinforcement in chronic schizophrenics. *Journal of abnormal psychology* ,82(1): 174-177.
 - Witt,R,E and Sen,S.K. (1972).conformity influence in small groups: A probabilistic measure. *Journal of social psychology*, 86,45-54
 - Witryol, S.L; Lowden LM; Fagan JF.(1968). Verbal versus material rewards as a function. *Journal of genetic psychology*, 113(1):3-25.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 4, No. 1, spring 2012, No 13



Journal of Educational
Psychology

The Relationship between Social Conformity and Independence in Judgment

Lotfi, Hameed^{1*}; Karimi, Yousef²

- 1) Assistant professor, Islamic Azad University. Tonekabon Branch, Tonekabon, Iran.
Assistant professor, Allameh University. Tehran, Iran.

*Corresponding author: lotfihdr@gmail.com

Abstract

The aim of this study was to examine the relationship between social conformity and independent in judgment to validate the test for social conformity. The present study was a correlational research study. The population was high school students in second and third grade in Sari city. High school the second and third grades students (N=66) were selected randomly, and were then tested using the two social (Lotfi, 1373,1381) and independent judgment tests (Baron, 1953). The validity of the questionnaire was estimated via the face and content validity. Also, its reliability was estimated using the Cronbach's alpha value as to be 0.94. The Pearson correlation coefficient was performed to analyze the data of the study. Regarding the personality characteristics and social and environmental factors affecting the color of the findings, ($r = 374, a=0.01$), a moderate negative relationship was indicated to exist between the two variables of the study. Further, other pieces of evidence were obtained on the validity of the social color

Key words: Social Conformity, Independence of Judgment, Validation
